

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۲۶) بهار ۹۰

«قصر و حصر در متون نثر عرفانی»* (علمی - پژوهشی)

(جایگاه « قصر و حصر» در تبیین و تفهیم معارف نهفته در متون عرفانی مورد پژوهش)

دکتر حسین آقاسینی

دانشیار دانشگاه اصفهان

دکتر فاطمه جمالی

استادیار دانشگاه پیام نور اصفهان

چکیده

گویندگان عارف همواره درصدد یافتن راهی برای انتقال و القای اندیشه های متعالی و تجربیات معنوی خود و مخاطبان آثار عرفانی درصدد درک و دریافت این مفاهیم بوده اند. آشکار است که به دلیل ابهام و دیربایی این معارف، استفاده از تمامی ظرائف و قابلیت های زبان و بلاغت آن ضرورت می یابد. در این راستا برخی ابزارهای بلاغی علم معانی - که همسو با قریحه ذاتی و ذوق فطری گوینده و مخاطب اوست - از جمله « قصر و حصر» و اختصاص و تأکید مستتر در آن، اهمیت ویژه ای دارد.

دو محور اساسی دغدغه گوینده عارف برای القای اندیشه ها از سویی و کاربرد فراوان « قصر و حصر» در متون نثر عرفانی از سوی دیگر، ضرورت انجام چنین پژوهشی را تبیین می کند.

کلید واژه ها: زبان عرفان، قصر و حصر، انحصار و تأکید، محبت نامه، عبهرالعاشقین، رساله عشق و عقل

مقدمه

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۹/۳/۴

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۸/۱۰/۱۲

آدرس ایمیل نویسنده: h.aghahosaini@gmail.com

اساس این پژوهش را باید یافتن منطق ورای هر ساختار به ظاهر بی منطق و درک معنای حاضر در پس هر گزاره دانست. دیدگاهی که ذهن خواننده را بر آن می دارد تا ظریف ترین ویژگی های زبانی، ادبی و اعتقادی گوینده را به چالش تأویل و تحلیل بکشاند.

امروزه تحلیل و تفسیر متون ادبی و فرهنگی هر جامعه یک علم محسوب می شود و تنها وجه ذوقی و هنری ندارد. علم در حوزه پژوهش با دو راهکار تقلیل گرایی و ساختار گرایی به تحلیل و تفسیر داده های یک مسئله - که گاه یک متن یا یک اثر تألیفی است - می پردازد. آنجا تقلیل گراست که بتواند پدیده پیچیده ای را به پدیده ای ساده تر کاهش دهد؛ مانند آنچه در حوزه متون علمی یا برخی آثار تعلیمی کهن در ادب فارسی (۱) دیده می شود اما در رویارویی با پدیده هایی چنان پیچیده که امکان تقلیل به واحدی کوچک تر را ندارد و صرفاً می توان آن را از راه شناخت مناسبات و پیوندهایی که میان اجزا و عناصر درونی خود دارد، شناخت، تحلیل و بررسی ساختارگرا کارآمدترین شیوه تحقیق خواهد بود؛ مانند آنچه در کلام وحی و متون عرفانی، به ویژه متون منشور به دلیل ابهامات و پیچیدگی های خاص زبان آنها دیده می شود. اینجاست که چنین پژوهش هایی اهمیت می یابد. بررسی هایی که در پی درک و تبیین مناسبات میان پدیده های زبانی عارف است.

عارف برای القای اندیشه ها و معارف متعالی خود از قابلیت های گوناگون بلاغی استفاده می کند. این ویژگی زبان او را از ابعاد مختلف قابل بررسی و تحلیل نموده است. یکی از مهم ترین اجزای درون متنی آثار عرفانی، «حصر و قصر» به کار رفته در متون عرفانی است که از ابزارهای مهم و پرکاربرد بلاغت در علم معانی به شمار می رود. این تحقیق بر اساس آنچه بیان شد، از طریق این ابزار بلاغی، برخی متون منشور عرفانی را از جهات گوناگون ساختاری و محتوایی مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. شاید از این منظر بتوان به برخی از زوایای پنهان زبان و اندیشه عارف پی برد.

به نظر می رسد که در تبیین اندیشه های عرفانی و نوع نگاه عارف به پدیده ها، قابلیت بلاغی «حصر و قصر» جایگاه ویژه ای دارد. بسامد بالا، تنوع کاربرد و ساختار ویژه این ابزار در متون مورد پژوهش، مهم ترین دلایلی است که فرضیه بالا را تأیید و تقویت می کند. با نگاهی اجمالی به آثار ادبی منظوم و منشور (غیر عرفانی) مشخص می شود که قصر

و حصر کاربرد محدودی داشته و در تمام انواع شعر تقریباً به طور یکسان به کار رفته است. در این آثار معمولاً شاعر یا نویسنده از طریق قصر، اعتقادات معمول و پندارهای شاعرانه خود را مؤکد می کند.

تا زنده ام مرا نیست جز مدح تو دگر کار کشت و درودم این است خرمن همین و شدیار
(رودکی، ۵۲۳)

به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد زیر این گنبد فیروزه کسی خوش نشست
(حافظ)

به طور طبیعی در «قصر» نوعی تأکید و انحصار، «اختصاص مفید قطعیت» و به تعبیر ساده تر برجسته سازی دیده می شود. البته تأکید و برجسته سازی هدفی است که در حوزه بلاغت نمودهای متفاوتی دارد؛ از جمله، تقدیم و جابجایی عناصر جمله، کلمات مفید معنی تأکید و سوگند و تکرار اما تأکید برآمده از قصر، با تکاپوی درونی گوینده در القای مؤکد اندیشه اش و پذیرش طبیعی مخاطب در دریافت خاص آن همسو است.

با آنکه تألیفات عرفانی در دو بخش نظم و نثر به تبیین و ترویج اندیشه های عرفانی پرداخته است اما به صراحت می توان گفت که متون منشور عرفانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اهمیت را می توان در تقدّم زمانی متون نثر و محوریت این آثار جستجو کرد به طوری که بسیاری از مفاهیم آثار منظوم، گرفته از امّهات متون نثر عرفانی است؛ بنابراین برای تبیین این موضوع و پژوهش دقیق تر در این زمینه، محبت نامه خواجه عبدالله انصاری از رسایل فارسی او (قرن ۵) و عبهرالعاشقین روزبهان بقلی شیرازی (قرن ۶) و رساله عشق و عقل نجم الدین رازی (قرن ۷) برگزیده شد تا زمینه اصلی این پژوهش قرار گیرد و بر اساس این سه مأخذ مهم نثر عرفانی، موضوع «قصر و حصر» و اهمیت آن در متون عرفانی تحلیل و تبیین گردد. به طور کلی می توان مشترکات این آثار را بدین گونه بیان کرد:

الف) رعایت هماهنگی و پیوند نسبی در محتوای متون منتخب؛ از آنجا که متون نثر عرفانی در زمینه های مختلفی نظیر تعلیم مقامات، توصیف احوال، عشق صوفیانه، شرح احوال عرفا و شطحیات نگاشته شده است، در حوزه پژوهش این آثار، وحدت موضوع و پیوند محتوای متون منتخب، ضروری می نماید. در این پژوهش با انتخاب «محبت نامه»

که آگاهانه عنوان و معنای عشق را با لفظ بدیع و آراسته در هم آمیخته و «بهر العاشقین» که به تعبیر دکتر معین «کتابی است صوفیانه مبتنی بر عشق» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ۹۹) و «رساله عشق و عقل» که مراتب عشق را تبیین می کند، سعی در حفظ پیوند آثار مورد پژوهش شده است.

ب) در این سه اثر صبغه توصیفی بر بیان تعلیمی رجحان دارد. بدیهی است موضوع این پژوهش تا کنون به طور مستقل بررسی و تحلیل نشده است و پژوهش بلاغی حاضر، جزء اولین گام ها در حوزه عرفان پژوهی به شمار می آید.

جایگاه قصر در علم معانی

در راستای هدف پژوهش، نخست از منظر علمای علم معانی ابعاد مختلف «قصر و حصر» مورد بررسی و تبیین قرار می گیرد. قصر و حصر یکی از ابزارهای کارآمد علم معانی به شمار می رود و ظرایف و قابلیت های بی شمار آن در متون ادب فارسی درخور توجه است. از آنجا که فهم درست این ابزار بلاغی تنها از طریق متون نظم و نثر میسر می شود و با توجه به تعدد و تنوع کاربرد، ضرورت بررسی و تحلیل آن در جهت تبیین اندیشه و جهان بینی گوینده نمودار می گردد.

«قصر در اصطلاح تخصیص چیزی به چیز دیگر است به روش های مخصوص.» (تفتازانی، ۱۹۷: ۱۴۰۹) این معنی قصر در کتاب های بلاغت، با معنای لغوی آن تناسب دارد زیرا در این حالت، صفتی به موصوفی یا موصوفی به صفتی تخصیص و انحصار می یابد. باید توجه داشت که اختصاص مستتر در قصر با اصل اختصاص - به مفهوم دارایی و مالکیت - متفاوت است؛ به این معنی که وقتی در قصر حکم یا صفتی به کسی یا چیزی مختص می شود، آن حکم را از دیگری یا دیگران به صورت مؤکد نفی می کنیم. به بیان دیگر شاعر یا عارف به نوعی معتقد است که این صفت تنها ویژه این موصوف است، نه هیچ کس دیگر و یا این موصوف تنها این ویژگی را دارد، نه صفات دیگری؛ بنابراین هر قصر از دو بخش اصلی (موصوف و صفت) تشکیل شده است: یکی مقصور و دیگری مقصور علیه. (همایی، ۱۳۷۴: ۱۲۳) به طور کلی و بر اساس وجه مرجح علمای بلاغت، «به کسی یا چیزی که قصر بر آن صورت گرفته، «مقصور» و به فعل یا اسم یا ظرف و یا حالتی که بدان اختصاص یافته است «مقصور علیه» می گویند.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۶۸)

آنچه نفتازانی و دیگر دانشمندان بلاغت از آن به عنوان « روش های مخصوص تخصیص » نام می برند ، شیوه ها یا طرق قصر است که از دو راه ، با ادات قصر و بدون ادات قصر محقق می شود . ادات قصر فارسی عبارت است از : « جز، آلا، تنها ، فقط ، بس ، ولی ، غیر ، مگر ، و لیکن » و برخی از راه های قصر بدون ادات ، کاربرد ضمیر ، تکرار و تکیه بر آهنگ است . برخی راه های ویژه سازی (قصر) کلمه و جمله را متمایز از هم تعریف می کنند . (فرشیدورد ، ۱۳۶۹ : ۴۱۲-۴۰۷) از دیگر ابعاد مهم در این مبحث ، انواع قصر و تقسیم بندی های مختلف آن است . در کتاب های بلاغت ذیل این مبحث سه نوع تقسیم بندی دیده می شود که عبارت است از :

۱- تقسیم قصر به اعتبار حقیقت و واقع : قصر حقیقی و قصر اضافی یا ادعایی ؛

۲- تقسیم قصر به اعتبار طرفین : قصر صفت بر موصوف و قصر موصوف بر صفت ؛

۳- تقسیم قصر با در نظر گرفتن اعتقاد مخاطب و احوال او : افراد و قلب و تعیین .

بدیهی است که اشاره به این اصطلاحات و دسته بندی ها صرفاً برای توصیف کامل مبحث قصر بر مبنای کتب معانی صورت گرفت زیرا نگارنده معتقد است که بازبینی و نقد این مبحث بلاغی در کتاب های معانی فارسی و همچنین تحلیل و تأویل متون نظم و نثر ادبی و عرفانی بر این اساس ، امری ضروری است ؛ به طور مثال تقسیم بندی قصر به اعتبار احوال مخاطب ، یا عناوین متعدد طرفین قصر ، درستی یا نادرستی آنها و مهم تر از همه جایگاه این ابزار بلاغی در تفهیم و دریافت مخاطب و کاربرد آن در تحلیل زوایای پنهان تفکر شاعر و نویسنده ، از مواردی است که در مطالعات بلاغی زبان فارسی به آن توجه نشده است و مخصوصاً با توجه به مقتضای حال مخاطب امروز به طور جدی باید مورد بررسی و تحلیل علمای فن قرار گیرد . (۲) در این میان تقسیم بندی قصر به حقیقی یا ادعایی به دلیل آنکه تمامی انواع آن را شامل می شود و از سویی در متون عرفانی مورد پژوهش ، جایگاه ویژه ای دارد ، به تفصیل بررسی می شود . این تقسیم بندی در برخی از کتاب های معانی مستقلاً بحث و بررسی نشده است . (۳)

قصر حقیقی یا ادعایی وقتی است که موصوف و صفت حقیقتاً به یکدیگر تخصیص یابند . یعنی حصر و اختصاص بر اساس واقع محقق شود ، نه بر پایه پندار شاعرانه یا امری ادعایی . (هاشمی ، بی تا : ۳۳۲) این نوع قصر به دلیل آنکه حقیقت دارد ، مورد قبول همگان

یا بسیاری از مخاطبان است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۶۹) و مقصوداً علیه واقعاً به غیر مقصود تعلق نداشته و در او حصر شده است. (رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۱) مانند اموری که مربوط به وجود و الوهیت خداوند است. این نوع قصر در متون عرفانی رویکردی خاص دارد که براساس آن، معارف و مفاهیم در ذهن و زبان عارف، صبغه ای ممتاز و کارآمد می یابد. قصر ادعایی که آن را غیر حقیقی و اضافی هم نامیده اند، عبارت است از: تخصیص موصوفی صفتی یا صفتی به موصوفی بر پایه پندار شاعرانه و ادعایی غیر حقیقی، نه به صورت نفس الامر و واقع. (همان و نیز آهنی، ۱۳۶۰: ۸۳) تفاوت قصر حقیقی و غیر حقیقی را باید در اعتقاد و باور گوینده و سخنانی که نمایانگر اندیشه اوست، جستجو کرد. این سخن ریشه در جایگاه ویژه قصر حقیقی در زبان عارف و متون عرفانی مورد پژوهش دارد. به طور کلی می توان گفت که قصر حقیقی در متون ادبی فارسی، اعم از نظم و نثر، بسامد چندانی ندارد (۴) و به عکس قصر ادعایی در متون عرفانی، اعم از تعلیمی و توصیفی، کاربرد اندکی دارد.

جایگاه ویژه «قصر و حصر» در متون عرفانی مورد پژوهش

همان طور که بیان شد، قصر و حصر یکی از پرکاربردترین و کارآمدترین ابزارهای بلاغی علم معانی در متون نثر عرفانی است به طوری که گویندگان عارف از آغازین مباحث خود در هر فصل و باب، این ویژگی را با بسامد فراوان و تنوع ساختار در خدمت تبیین آرمان های خود قرار می دهند؛ به طور مثال این سخن روزبهان در مذمت کافران گمراه زمانه مورد بررسی قرار می گیرد: **جز رود و سرود و خمر و زهر و فسق و فساد، پیشه ایشان نباشد.** (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ص ۹۶)

با تحلیل قصر موجود در این سخن آشکار می شود که تصور هر وجه دیگر از آن مستلزم آن است که عارف بخواهد با اطناب و تکرارهای بیهوده، انسجام، رسایی و برجستگی های زیبایی شناسانه کلامش را تباه کند. روزبهان با استفاده از همین قصر به ظاهر ساده، مفهومی گویا و لفظی زیبا را به تصویر کشیده است. حال اگر به جای این قصر این جمله آورده می شد؛ **«پیشه ایشان رود و سرود و خمر و زهر و فسق و فساد است.»** با وصل و عطف های بی فایده و زائد هیچ نشانی از مفهوم شیوا و موجز ابتدایی سخن به جا نمی ماند. بر این اساس، قصر و حصر در متون عرفانی از جهت خصوصیات ساختاری و همچنین ویژگی های محتوایی قابل تأمل و بررسی است. برخی از این ویژگی ها میان

متون عرفانی مورد پژوهش و سایر متون، دارای وجوه اشتراک فراوان است و نیز ویژگی‌هایی دیده می‌شود که خاص زبان عارف یا مختص متون نثر عرفانی است که به تفصیل بیان خواهد شد. بررسی جایگاه قصر در متون عرفانی با تحلیل دو محور اساسی ساختار و محتوا میسر می‌شود.

۱- ویژگی‌های ساختاری قصر در متون مورد پژوهش

در توضیح این بخش، نخست مفهوم ساختار یادآوری می‌شود. بر اساس آنچه در مقدمه در باره پژوهش ساختارگرا گفته شد، این اصطلاح از دایره مرسوم و مصطلح اهل فن خارج شده و محدوده آن به اموری که مربوط به مناسبات میان اجزای هر عبارت است، منحصر می‌شود:

۱-۱. راه‌های قصر (طرق قصر)

راه‌های ایجاد قصر در متون عرفانی مورد پژوهش، همان طرق معمول در کتاب‌های معانی است:

الف. ایجاد قصر به وسیله ادات قصر: پرکاربردترین ادات قصر در متون عرفانی مورد پژوهش، واژه «جز» است. دیگر طرق و ادات قصر، کاربرد اندکی دارد؛ بنابراین در اینجا پرکاربردترین ادات قصر به ترتیب فراوانی کاربرد بررسی می‌شود:

۱. جز: چنان که ذکر شد این ادات حصر در متون عرفانی مورد پژوهش، بسامد بالاتری را به خود اختصاص داده است. البته این غلبه کاربرد منحصر به متون عرفانی نیست. در متون نظم و نثر و حتی در کتاب‌های معانی ذیل قصر، شواهد مربوط به ادات جز بسامد بالایی دارد. (۵)

«نور جمالش نار نسوزد و کلاه دولتش در کونین جز حق ندوزد.» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ص ۳۲)

«دست جز از محبت باز کن. از خویشتن آغاز کن.» (خواجه عبدالله: ۳۵۹)

۲. نفی و استثنا: بیشترین کاربرد آلا در جمله‌های عربی، احادیث یا سخنان بزرگان عرفا است:

«بعضی از خواص محبت گفته اند: ما نظرت فی شی آلا و رایت الله فیه» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ص ۱۳۲)

« از انواع واصناف نباتات و حیوانات آفرید که حدّ و حصر آن جز آفریدگار جلّ و عزّ نداند که «و ما یعلم جنود ربک الّا هو». (نجم الدین رازی، ۱۳۶۶: ص ۴۱)

در محبت نامه یک مورد ادات «بس» و دو مورد «اما» دیده می شود ولی غلبه با ادات قصر «جز» است و در عبهر العاشقین غیر از موارد متعددی که «الّا» در قصر به کار رفته، همه جا از «جز» استفاده شده است. در رساله عشق و عقل نجم الدین، ادات قصر «الّا» با نمود بیشتری دیده می شود اما هنوز غلبه با کاربرد ادات قصر «جز» است. این ویژگی در مرصاد العباد وی هم پدیدار است. همان طور که در جدول زیر آمده، برخی ادات مورد اشاره کتب معانی در متون عرفانی کاربرد بسیار محدودی دارد یا گاهی هیچ نمونه ای از آن دیده نمی شود.

عشق و آثار عقل	جز	الّا ۷	لیکن	بس	غیر -	اما -
	۲۱	--	۱	--	--	--
محبت نامه	۱۵	--	--	۱	--	۲
عبهر العاشقین	۶۵	۲	۱	--	۲	--

به نظر می رسد که این ویژگی منحصر به متون نثر نیست زیرا در متون نظم عرفانی نظیر مثنوی مولانا، دیوان سنایی و دیوان عطار هم این غلبه مشاهده می شود. در جدول زیر بسامد این ادات قصر به طور نمونه با ادات «الّا» مقایسه شده است.

ادات قصر	دیوان سنایی	مثنوی مولوی	دیوان عطار
جز	۳۸۷	۴۱۱	۲۰۶
الّا	۸	۶۰	۱۰

دلیل بسامد بالا و غلبه مطلق ادات قصر «جز» چیست؟ برای یافتن پاسخ، مجال گسترده ای لازم است تا فرضیه های ممکن مورد بررسی قرار گیرد اما به اجمال می توان به برخی از آنها اشاره کرد. هر یک از ادات و راه های قصر، مقتضی نوعی از جمله بندی همچین نفی یا اثبات در فعل است؛ براین اساس یکی از فرضیه ها تأکید عارف بر حفظ نظم عناصر